

ادعای مخالفان: پولس بر خلاف مسیح، مسیحیان را تشویق کرد تا قربانی های بت ها را بخورند



ادعای مخالفان: پولس بر خلاف مسیح، مسیحیان را تشویق کرد تا قربانی های بت ها را بخورند

یکی دیگر از ادعاهای مخالفان این است مسیح فرموده که قربانی هایی که به بت تقدیم نشده نخورید، در حالی که پولس مسیحیان را تشویق کرد تا این گونه قربانی ها را بخورند.

قبل از بررسی این مبحث، نباید فراموش کرد که کسانی که این ادعا را مطرح می سازند، برنج و خوراک های کشورهای جنوب شرق آسیا را مصرف می کنند و وسایل الکترونیکی و کامپیوتری آن سرزمین ها را می خردند، غافل از آن که برخی از صاحبان مزارع برنج، کارخانه های مواد غذایی و وسایل خانگی، بت پرست هستند و از کاهنان معبد درخواست می کنند که برای تقدیس مشاغل شان در محل کارشان حضور یابند. در این جا است که مخالفان مسیحیت، میان پرستش بت ها و استفاده از وسایل و خوردن خوراکی هایی که به بت ها تقدیم شده است، تفاوت قائل می شوند.

نخست باید بدانیم که مسیح هرگز درباره قربانی بت ها حکم و فرمانی صادر نکرد. مخاطب او یهودیان ساکن اسرائیل بودند که به شریعت خدا وفادار بودند. در آن دوران در اسرائیل بتکده و یهودیان بت پرست وجود نداشتند. بنابراین نیازی نبود که مسیح درباره تاثیر منفی بت و بت پرستی سخن بگوید. اما

پولس که ماموریت داشت تا به غیر یهودیان بشارت انجیل را دهد، در شرایط متفاوت قرار داشت. اعضای کلیساهای اروپا ترکیبی از یهودیان و غیر یهودیان بودند.

در آن زمان رهبران مذهبی یهود، قوانین و تبصره هایی را افزودند، به طوری که یهودیان نتوانند با غیریهودیان بر سر یک سفره بنشینند، چون به اصطلاح "نجس" می شدند (این قوانین در متن کتاب مقدس وجود ندارد).

در حقیقت، یهودیان، غیر یهودیان را نجس قلمداد می کردند. در انجیل یوحنا فصل ۱۸ آیه ۲۸ می خوانیم که عیسی پس از بازجویی به کاخ فرماندار رومی فرستاده شد. یهودیان برای این که نجس نشوند، داخل کاخ نشدند، چون اگر داخل می شدند دیگر نمی توانستند در مراسم مذهبی شرکت کنند. مطابق قوانین یهود، اگر شخص یهودی وارد خانه فردی غیریهودی می شد، نجس می گردید و در نتیجه، نمی توانست در مراسم مذهبی و هم چنین معبد و کنیسه حضور یابد.

مسیحیان یهودی موظف بودند تا پیام انجیل را به غیر یهودیان اعلان کنند. بنابراین، نگرش غلط آن ها درباره خوراک و معاشرت با غیریهودیان ابتدا می بایست اصلاح می گردید. از این رو، توسط رویایی به پطرس نشان داد که او نباید به غیریهودیان به دیده حقارت نگاه کند و هم چنین خوردن غذاهایی که تا قبل از این رویا، حرام بود، از این به بعد مجاز و بلا مانع می باشد (اعمال رسولان فصل دهم).

از طرفی، تعداد یهودیان خارج از اسرائیل، آنقدر نبود که در روستاها و شهرک ها بتوان خوراک حلال را تهیه کرد. مبشرین یهودی بایستی در خانه های غیر یهودیان اقامت می کردند و هر غذایی را می خوردند. اگر به خاطر ایمان شان، دستگیر و زندانی می شدند، در زندان از خوراک حلال خبری نبود. آنچه مسلم است نجات غیر یهودیان مهم تر از احکام مربوط به خوراک حلال بود. خداوند در عیسی مسیح به قیمت گزافی نجات انسان را مهیا نمود. بنابراین، منطقی نبود که به خاطر خوراک، نقشه نجات غیریهودیان از قلمرو گناه، متوقف شود.

در اروپای قرن اول میلادی، یهودیان مقیم اروپا مشکل را با تهیه گوشت "کاشر" حل کردند، یعنی گوشتی که توسط قصاب های یهودی و مطابق شرع یهود ذبح می شد. با این توصیف، اکثر گوشت هایی که در بازار فروخته می شد، متعلق به معبد بت پرستان بود. بنابراین این سؤال مطرح می گردید که آیا مصرف این گوشت ها برای ایمانداران مسیحی مفید است یا مضر؟

ابتدا باید بدانیم که شریعت یهود چیست. شریعت یهود شامل سه بخش بود:

یک. مقررات آئینی مانند قربانی حیوانات برای کفاره گناهان. پس از مرگ و قیام مسیح، این بخش از احکام غیر ضروری شدند، زیرا مسیح یک بار و برای همیشه برای گناهان انسان ها قربانی شد.

دو. احکام مدنی: این نوع احکام مربوط به زندگی روزمره قوم اسرائیل در دوران باستان می شد. از آن جا که فرهنگ و جامعه امروزی ما به کلی با آن زمان متفاوت است، برخی از این دستورات العمل را نمی توان به طور دقیق اجرا کرد. مثلا حکم مربوط به اجتناب از پختن بزغاله در شیر مادرش از همین دست است (تثنیه فصل ۱۴ آیه ۲۱). طبق کشفیات باستان شناسی، این کار یکی از آیین های حاصلخیزی بت پرستان بوده است و شیری که به این شکل به دست می آمد، بر مزارع پاشیده می شد

تا محصول فراوان حاصل شود. هم چنین انتخاب غذا، مراقبت از مادر و نوزادش، تشخیص بیماری و دور ریختن زباله... جزیی از قوانین مدنی محسوب می گردید.

سه. احکام اخلاقی: این نوع احکام در واقع دستورات مستقیم خدا هستند که نمونه آن ده فرمان می باشد (خروج فصل ۲۰ آیات ۱- ۱۷). از این احکام باید کاملاً اطاعت کرد. آن ها ذات و اراده خدا را آشکار می سازند و هنوز هم برای ما قابل اجرا می باشند. ما باید از احکام اخلاقی اطاعت کنیم، نه برای به دست آوردن نجات، بلکه برای این که زندگی مان خدا را خشنود سازد. در مورد قوانین مربوط به احکام مدنی نکاتی را باید در نظر گرفت: یک. خداوند این قوانین را فقط به قوم یهود داد.

دو. اطاعت از این قوانین، طهارت مذهبی را تضمین می کرد، ولی شخص را از لحاظ سیرت مقدس نمی کرد. حتی با خوردن گوشت "کاشر" هم نمی توان مقبول خدا شد (گوشت "کاشر" موجب رهایی انسان از قدرت قلمرو گناه نیست. این خداوند است که نجات می دهد). دزدها، زناکاران و اشخاص متقلب توسط ختنه و خوردن غذاهای حلال، در نظر خدا پاک و مقدس نخواهند شد.

سه. یهودیان اعتقاد داشتند که می توانند در اثر اجتناب از برخی از خوراک ها، در نظر خدا پاک باشند. اما عیسی فرمود که گناه در حالات درونی و انگیزه های شخص آغاز می شود. عمل گناه آلود، با یک فکر شروع می شود. افکار ما می توانند ما را آلوده کنند و به گناه بکشانند. فقط خدا می تواند فکر ما را نو سازد و ما از درون توسط عملکرد خداوند، پاک می شویم.

مسیح فرمود: "مگر نمی دانید که آنچه می خورید، به روح تان لطمه نمی زند و آن را نجس نمی سازد؟ زیرا خوراک با قلب و روح شما کاری ندارد. آنچه انسان را نجس می سازد، افکاری است که از وجود او تراوش می کند. اعمالی نظیر دزدی، آدمکشی، زناکاری، طمع به مال دیگران، فریب و تقلب، حسادت، بدگویی، خودپسندی از وجود انسان سرچشمه می گیرد و انسان را نجس ساخته، از خدا دور می کند" (مرقس فصل ۷ آیات ۱۸- ۲۳). خوراک ما را مقبول خدا نمی سازد. غذا انسان را نجس نمی کند، بلکه هر چه از ذهن ما خارج می شود، همه چیز را آلوده می کند. تلخی شخصیت و طرز نگرش ما و نیز چگونگی رفتارمان با دیگران، محیط پیرامون ما را آلوده می سازد.

با مطالعه اول قرن تیان فصل های هشتم تا دهم، متوجه می شویم که پولس حساسیتی را که درباره حضور در بتکده ها نشان می دهد، درباره خوردن خوراک های همان بتکده ها که در بازار فروخته می شوند، نشان نمی دهد. پولس در این فصل، چند نکته را خاطر نشان می سازد:

یک. حضور در بتکده ها گناه است (فصل ۱۰ آیات ۱۴ و ۲۰- ۲۱). مسیحیان اجازه ندارند در معابد بت پرستان حضور یابند. ولی رفتن به خانه همسایگان و دوستان غیر مسیحی بلامانع است (فصل ۱۰ آیه ۲۷). طبق فرمایش مسیح، هر غذایی را که میزبان پیش روی ما قرار می دهد، باید صرف کنیم: "هر چه به شما می دهند، بخورید و بنوشید و از این که از شما پذیرایی می کنند، شرمسار نباشید." (لوقا فصل ۱۰ آیه ۷)

دو. خوراک ما را مقبول خدا نمی سازد (فصل ۸ آیه ۸).

سه. همه خوراک ها از جانب خداست (فصل ۱۰ آیه ۲۶).

از آن جا که پولس در برای بشارت، در میان غیر یهودیان زندگی می کرد، او آزاد و مختار بود از چنین خوراک هایی که در بازار به فروش می رسید، مصرف کند. بنابراین، آزادی برای پولس یعنی آزادی هم برای خوردن آن خوراک که در بازار فروخته می شود و هم برای نخوردن آن. با این توصیف، پولس بر حسب شرایط و موقعیت، یکی از این دو راه را انتخاب می کرد تا باعث لغزش برخی از ایمانداران مسیحی نشود. پولس وقتی با یک یهودی، یک اهل شریعت و یا شخصی که مخالف خوردن آن خوراک ها بود، آن غذا را نمی خورد. او آزادانه از اختیار و حق خود چشم پوشی می کرد. پولس رفتار خود را با شرایط و موقعیت ها سازگار می کرد تا عده بیشتری را به نجات مسیح رهنمون کند. به عبارت دیگر، توجه پولس به نگرش و سوءتفاهمات دیگران بود. اما او هدف مهم تری داشت: این که انجیل را به همه برساند. بنابراین، آنچه برای خدا اهمیت نداشت، برای پولس بی اهمیت بود. او آزاد بود، اما در مسیح.

اگر پولس خوراک هایی را که به بت ها تقدیم شده و سپس در بازار فروخته می شد، ممنوع اعلام می کرد، این عقاید خرافی در ذهن مسیحیان پدیدار می گردید:

یک. بت ها دارای قدرت های مافوق طبیعی و سحرآمیز هستند.

دو. خوراک هایی که به بت ها تقدیم می شد توسط روح خدایان، نجس می گردید

سه. خوردن این خوراک ها سبب پدید آمدن افکار شیطنانی شده و تمایل به بت پرستی را به وجود می آورد.

پولس چنین اظهار نظر کرد: "همه می دانیم که بت، خدا نیست، زیرا فقط یک خدا است و بس" (اول قرنتیان فصل ۸ آیه ۴). خداوند فرمود: "چه نادانند کسانی که بت می سازند و آن را خدای خود می دانند. آن ها خود شاهدند که بت نه می بیند و نه می فهمد، بنابراین هیچ سودی به آنان نخواهد رساند. کسی که با دست های خود خدایش را بسازد، چه کمکی می تواند از او انتظار داشته باشد؟ (اشعیاء فصل ۴۴ آیات ۹ - ۱۰).

طبق روایات یهودیان و مسلمانان، تارح پدر ابراهیم نه فقط بت پرست بود، بلکه سازنده بت هم بود. روزی ابراهیم چوبی برداشت و تمام بت ها را با استثنای یکی از آن ها، شکست و چوب را در دست آن بت قرار داد. وقتی تارح به مغازه بازگشت، خیلی عصبانی شد. ابراهیم به پدرش گفت: "زنی برای خدایان گوشت آورد. همه خدایان می خواستند آن را بخورند و به همین دلیل قوی ترین آن ها سایرین را زد تا گوشت فقط نصیب او شود." تارح گفت: "این امکان ندارد، زیرا آن ها از چوب و سنگ ساخته شده اند."

ابراهیم جواب داد: "امیدوارم گوش های تو آنچه را که گفتم، شنیده باشد."

مخاطب جواب ابراهیم نه فقط بت پرستان، بلکه کسانی هستند که فکر می کنند با اجتناب از خوردن قربانی بت ها، در نظر خدا پاک خواهند شد. آیا آنچه در خوراک هست برای ما اهمیت دارد، یا آنچه

در قلب و فکرمان می گذرد؟ ما در اثر اعمال ظاهری مقدس محسوب نمی شویم. دزدها، زناکاران و اشخاص متقلب توسط ختنه و خوردن غذاهای حلال، در نظر خدا پاک و مقدس نخواهند شد.

نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ